



محاكمه مجدد فعالان کارگری سقز

جرم کارگران مبارز البته که سنگین است! آنها بخود جرات داده اند و به همراه همکاران خود خواسته اند اول ماه مه را مستقلا وبدور از دخالت دولت وسرمایه داران برگزار کنند. آنها ارداه کرده اند تا خواسته ها ومطالبات خود ومیلونها کارگردیگر را به پرچم تظاهرات ونمایشهای مراسم اول ماه مه بنویسند و آنها را فریاد بزنند. البته که این اقدام در رژیم جمهوری اسلامی جرم بزرگی است و اگر مبارزه ومقاومت کارگران نبود و اگر حمایت سایر کارگران در ایران و جهان نبود. به سرنوشتی نامعلوم ودهشتناک تر دچار میشدند.

بیدادگاه های جمهوری اسلام که تحت فشار افکارعمومی و تشکلهای کارگری درنقاط مختلف جهان مجبور به لغو احکام صادره درباره کارگران دستگیر شده در اول ماه مه ۱۳۸۳ شده بودند از کرده خود پشیمان شده اند و طبق اظهارات محمد شریف وکیل مدافع این کارگران «روز شنبه و یکشنبه شعبه ی یکم دادگاه انقلاب اسلامی سقز مجددا به پرونده ی موکلانم رسیدگی می کند. دادگاه رسیدگی کننده به اتهام مجددا مطرح شده ی کارگران صنف خباز شهرستان سقز، جهت رسیدگی به اتهام موضوع ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی با عنوان اجتماع و تبانی جهت ارتکاب جرم فردا و پس فردا برگزار می شود. وی افزود: این پرونده مرتبط با روز جهانی کارگر سال ۸۳ و تلاش موکلان جهت برگزاری مراسم این روز بوده است که قبلا از ۷ موکل، دو نفر آنها در دادگاه بدوی از اتهامات انتسابی برائت حاصل کرده و ۵ نفر دیگر به نام های محمود صالحی، محسن حکیمی، جلال حسینی، محمد عبدی پور و برهان دیوارگر به ۲ تا ۵ سال محکومیت حبس و همچنین محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شده بودند. با این حال به لحاظ اظهار نظر ارشادی دادگاه تجدیدنظر راجع به عدم تفهیم اتهام ذکر شده،

ادامه در صفحه ۲

مسوولان ۱۷ ماه قول دادند و عمل نکردند و ما ۱۷ ماه از دریافت حقوق قانونی خود محروم شده ایم

اعتصاب کارگران معادن سنگرود که توسط خانواده هایشان همراهی میشد بعد از ۴۸ ساعت بدون نتیجه پایان یافت. این کارگران که به شدید ترین وجهی استنثار میشوند بیش از ۱۷ ما است که حقوق خود را دریافت نکرده اند.

کارگران معادن یکی از سختکوشترین و درعین حال محروم ترین بخش طبقه کارگر محسوب میشوند. آنها مجبورند ساعت ها در عمق چندصد متری زمین در فضائی مملو از گردو خاک و گازومواد شیمیائی به کارطقت فرسای استخراج بپردازند. سایه شوم مرگ ناشی از حوادث کار و انفجارا معدن وسختی کار لحظه ای آنها را ترک نمیکند. آنهائی که از حوادث محیط کارجان سالم بدرمی برند ناخوشی فرسوردگی و کوتاهی عمر هرگز آنها را رها نمیکند. بااینکه سرمایه گزاری در معدن یکی از پردرآمدترین سرمایه گزارها محسوب میشود اما حرس و ولع سرمایه داران ودولت تا آنجائی است که در پناه ماشین سرکوب ماه ها پرداخت حقوق کارگران را به تعویق میاندازند و این پولها را در تجارت های سود آور و کوتاه مدت به کارگیرند. ظاهرا سرنوشت این معدن نیز به سرنوشت ده ها واحد تولیدی و صنعتی دچار شده است ودر بلا تکلیفی به سرمیرد. و کارگران بعد از مشاهده سرآب وعده ووعید های بی نتیجه تصمیم گرفته اند همراه با خانواده های خود راهی تهران شوند.

در همین رابطه نماینده کارگران میگوید: آنان بارها با وعده های شیرین تلاش کرده اند کارگران را از آمدن به تهران منصرف نمایند، اما این بار کارگران مصمم هستند که به تهران بیایند و این بار به همراه خانواده هایشان!

بنابراین گزارش، اعتصاب و تجمعات اعتراض آمیز کارگران سنگرود در هفته های گذشته در شرایطی شدت بیشتری یافته است که "حکیمی" نماینده رودبار در گفت و گوی اخیر خود با کارگران مشکلات معدن را حل شده اعلام و خاطر نشان کرده بود که کمیته ویژه ای از سوی شرکت تهیه و تولید برای رسیدگی به مشکلات معدن تشکیل شده است.

بنابراین گزارش، کارگران با اشاره به شرایط بد معیشتی خود اعلام کرده اند که مسوولان ۱۷ ماه قول دادند و عمل نکردند و ما ۱۷ ماه از دریافت حقوق قانونی خود محروم شده ایم.

کارگران گفتند: وظیفه ما استخراج معادن کشور برای کمک به چرخه تولید و صنعت و شکوفایی اقتصاد بوده است؛ ما به وظایف عمل کرده و از هیچ کوششی دریغ نکرده ایم، اما کسانی که مسوولیت دارند، چه کرده اند؟

براستی کسانی که مسوولیت دارند چه کرده اند؟ و چه میتوانند بکنند؟ در کشوری که براقصا و سیاست آن قانون مافیائی حکمفرماست

ادامه در صفحه ۲

- مرورزی به تجار وکینه ورزی به توده رنج وکار!
- استخدام کارگران قراردادی در شرکت ایران خودرو آغاز گردید
- چند خبر کارگری
- بیانیه آی ال او - بروکسل
- کاهش ۴۳ درصدی دستمزدهای واقعی در ۶۲ سال گذشته
- فلسفه یا کمک ژورنالیسم؟
- فوتبال
- دو نظر درباره فوتبال ایران مقصر اصلی برانکو
- برای رفع این بلا به آسمان نظر من!
- پاداش رئیس شورای شهر تبریز به عوامل سرکوب

و بنا به اظهار یکی از «نمایندگان» مجلس ۶ میلیارد دلار از پول نفت یکجا دود شده و به هوا رفته است و هیچ کس هم پاسخگو نیست (کدام مسئول می‌خواهد و میتواند به مشکلات کارگران رسیدگی کرده و بخرخواست های آنها پاسخ مبد دهد؟! چاره کارگران تنها و تنها به هشیاری عملکرد و تشکل و اتحاد شان برمیگردد کارگران ناچارند بپذیرند که باید مشکل تشکل خودشان را حل کنند و همزمان به مبارزه خود متکی باشند تنها در این صورت است که بر سرمایه داران و دولت آنها پیروز خواند شد اظهار یکی از «نمایندگان» مجلس ۶ میلیارد دلار از پول نفت یکجا دود شده و به هوا رفته است و هیچ کس هم پاسخگو نیست (کدام مسئول می‌خواهد و میتواند به مشکلات کارگران رسیدگی کرده و بخرخواست های آنها پاسخ مبد دهد؟! چاره کارگران تنها و تنها به هشیاری عملکرد و تشکل و اتحاد شان برمیگردد کارگران ناچارند بپذیرند که باید مشکل تشکل خودشان را حل کنند و همزمان به مبارزه خود متکی باشند تنها در این صورت است که بر سرمایه داران و دولت آنها پیروز خواند شد!

مهرورزی به تجار و کینه ورزی به توده رنج و کار!

سیل واردات کالاهای عمدتاً نامرغوب خارجی به بازارهای ایران رشد بی سابقه ای پیدا کرده است. همزمان رسانه های عمومی گزارشات متعددی را درباره تعطیلی کارخانجات و واحد های تولیدی بدلیل ناتوانی در رقابت با کالاهای مشابه وارداتی منتشر میکنند و روزی نیست که هزاران کارگر به خاطر تعویق چندین ماهه در پرداخت حقوق شان ویا اخراجی دسته جمعی و بلا تکلیفی وضعیت کارخانه ها دست به اعتراض زنند. بنا به گزارش رسمی تنها در دو ماه اول سال جاری بیش از ۳۰ هزار کارگر از کار بیکار شده اند. بنا به اعتراف یکی از مسوولان جمهوری اسلامی مندرج در خبرگزاری کار بدلیل بحران مالی کارخانه های تولیدی لوازم صوتی و تصویری تعداد قابل توجهی از کارگران شاغل در این بخش از ابتدای سال جاری تاکنون اخراج شده اند... و امنیت شغلی بیش از پنجاه هزار کارگر شاغل در این بخش با بحران جدی روبروست.

مافیای قدرت و ثروت با درآمد حاصل از افزایش قیمت نفت به سیل ورود کالاهای خارجی شتاب داده است بطوریکه طبق ارزیابی سازمان تجارت جهانی واردات ایران در سال ۸۴ تا مرز ۴۲ میلیارد دلار افزایش یافته است. بدین ترتیب درآمد های حاصل از ثروت ملی به جای صرف سازندگی کشور، تامین رفاه و آسایش مردم و تقویت بنیه اقتصادی کشور صرف واردات کالاهای مصرفی و اغلب نامرغوب کشورهای سرمایه داری پیشرفته میشود این امر علاوه بر لطمات شدید به اقتصاد کشور که ورشکستگی کارخانجات تولیدی و افزایش اخراج ها و بیکار سازیها از نتایج بلا فصل آن است، بخش بزرگی از تولید کنندگان کوچک و متوسط را نیز به ورشکستگی کشانده و توده های وسیع زحمتکشان را به سمت فقر و تباهی سوق داده است.

بنوشته کارشناسان اقتصادی «امارهای دو ماهه اول امسال نشان می‌دهد، در شرایطی که صادرات غیرنفتی کشور معادل یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار بوده و صادرات نفت نیز حدود ۸/۵ میلیارد دلار برآورد شده است، واردات کالاهای خارجی همچنان به طور فزاینده در حال رشد است و در ماه های فروردین و اردیبهشت سال جاری شش میلیون و ۶۷۰ هزار تن انواع کالای خارجی به ارزش نزدیک به شش میلیارد دلار وارد کشور شده است که نشان دهنده تداوم رشد واردات کالا در سال جاری است.

این میزان واردات در دو ماهه اول سال ۸۵ به لحاظ وزنی ۳۹/۲ درصد و از نظر ارزش ۹ دهم درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش

داشته است و انواع آهن آلات، لوازم صنعتی برقی، مواد اولیه پلاستیکی، مواد شیمیایی، کاغذ و مقوا، گندم دامی، شکر، ذرت، محصولات دارویی، انواع کود شیمیایی و... وارد کشور شده و بیشترین حجم این کالاها از کشورهای چین، امارات متحده عربی، آلمان، کره جنوبی، فرانسه، ایتالیا، هند، سوئیس، ژاپن و انگلستان وارد ایران شده است و کالاهای مصرفی و آماده مصرف حجم عمده ای از آن را تشکیل می‌دهد.

امارهای رسمی نشان می‌دهد که طی ۱۰ سال گذشته، واردات کالا از رقم ۱۴/۱۲۳ میلیارد دلار در سال ۷۶ به حدود ۴۱ میلیارد دلار در سال ۸۴ رسیده و روند رشد واردات در سال ۸۵ نیز تداوم دارد.

امارهای گمرک در سال های ۸۴ - ۱۳۷۶ نشان می‌دهد که میزان واردات به ترتیب ۲۹/۵۶۱، ۳۶/۳۳۹ و ۴۰/۹۶۹ میلیارد دلار بوده است

به این واردات پر سود برای تجار محترم و مافیای قدرت و ثروت که به بهای جان و زندگی میلیونها کارگر و زحمتکش تمام میشود پدیده قاچاق را هم باید اضافه کرد. به تخمین سالانه بیش از بیست میلیارد دلار کالای قاچاق وارد بازارهای ایران میشود این کالاهای قاچاق عمدتاً بوسلیه نیروهای امنیتی سپاه پاسداران و نهادهائی نظیر بنیاد شهید، کمیته امداد وده ها گروه ریز و درشت وابسته به مافیای قدرت صورت میگیرند که از طریق بنادر، فرودگاه ها و ورودی اختصاصی این نهادها در مرزها و بدون هیچ کنترلی وارد کشور میشوند و یا از آن خارج میگردند. در این زمینه اخیراً مدیرکل مبارزه با جرائم اقتصادی نیروی انتظامی در جمع خبرنگاران گفت: ماهانه ۱۵۰ میلیون لیتر فرآورده نفتی (نفت سفید، گازوئیل و بنزین) از کشور قاچاق می شود که اگر بر اساس اعلام شرکت نفت هر لیتر را ۶۰۰ تومان محاسبه کنیم، سالانه حدود یک تریلیون و ۸۰ میلیارد تومان فرآورده از کشور بصورت قاچاق خارج می شود که البته به رغم تلاش ماموران انتظامی، فقط ۵۰ میلیون لیتر آن کشف شد. از تاثیر ویران کننده این حجم از واردات و کالاهای قاچاق بر افت تولیدات داخلی و افزایش نرخ بیکاری بگذریم از حق نباید گذشت که بخش مهم بودجه ارگانهای سرکوب و لیفت و لیس عوامل رژیم از درآمد های هنگفت قاچاق تامین میگردد.

در این میان دولت احمدی نژاد که با وعده های عوامفریبانه «مهرورزی» و «عدالت گستری» به میدان آمد پاره فراتر نهاده و در برنامه بوجه خود بخش مهمی را به واردات کالا اختصاص داده است روندی که به رکود بیش از پیش تولیدی و افزایش بیکاری منجر خواهد شد با ادامه این سیاست ها صد ها هزار کارگر، کارمند صنایع تولیدی مشاغل خود را از دست خواهند داد و با سقوط سطح درآمد و زندگی آنها بخش بزرگی

از کسبه جزء و حاشیه تولید نیز به فقزر و تباهی بیشتر سوق خواهند یافت. بدین ترتیب سود های بادآورده حاصل از برنامه اقتصادی دولت احمدی نژاد(که علیرغم شعارهای ظاهری ضد امپریالیستی که مردم در بوق و کرنا میدمد اما دارای سمت گیری منطبق بادستورات صندوق بین المللی پول و بانگ جهانی است) به جیب انحصارات امپریالیستی و تجار محترم، مافیای قاچاق و بخش های انگلی و غیر مولد جامعه سرازیر میشود. همین اشارات کوتاه کافیسست تا میزان مهرورزی جناب احمدی نژاد را به تجار محترم و دشمنی او را با کارگران و زحمتکشانش دریافت.

به خاطر همین مهرورزی به تجار محترم و مافیای بازار است که درعین حال ضرورت سرکوب و ایجاد خفقان را برای دولت اسلامی ضروری و اجتناب ناپذیر میسازد به همانگونه که تشکل و اتحاد مبارزه برای سرنگونی این رژیم و مافیای اقتصادی پشت سر آن را برای رهائی توده های کار و زحمت اجتناب ناپذیر کرده است.



تمام کارگران دیگر هستیم

استخدام کارگران قراردادی در شرکت ایران خودرو آغاز گردید

خبر دیگر در هفته گذشته این بود که کارگران بعضی از شرکت های پیمانکاری از حالت پیمانکاری در آمده و به کارگر موقت شرکت تبدیل و وضعیت شدند ولی ما خواهان انحلال تمام شرکتهای پیمانکاری و لغو قراردادهای موقت و استخدام کارگران در شرکت می باشیم

خبرهای رسیده از شرکت ایران خودرو حاکی است طی هفته گذشته در پی مبارزات کارگران این شرکت سرانجام مدیریت موافقت کرد که کارگران قراردادی که قبل از سال ۷۸ وارد این شرکت شده اند را به استخدام دائمی در بیاورد و از طرفی کارگران پیمانکاری بعضی از شرکتهای پیمانکاری را از حالت پیمانکاری به قرارداد موقت خود شرکت تبدیل کند. و از طرفی مدیریت موافقت کرد که کارگران شیفت بعد از ظهر کاری تمام بازیهای ایران را در محیط کار تماشا کرده و شیفت اول نیز یک ساعت زودتر تعطیل شود تا کارگران راحتتر به تماشای بازی ایران و پرتقال برسند ما این موفقیتها را به تمام کارگران این شرکت تبریک می گوئیم و امیدواریم که در پی مبارزات پیگیرانه شان بزودی شاهد بازگشت کارگران اخراجی به سر کارشان باشیم در همین رابطه عده ای از کارگران ایران خودرو در اعلامیه خود نوشته اند:

دوستان و همکاران گرامی

ایجاد امکانات و رفع مشغله های کاری یکی از خواسته های ما کارگران است مسلماً خیلی از همکاران ما هستند بازیهای جام جهانی فوتبال را از نزدیک تماشا کنند و خوشبختانه قرار شده که با ایجاد امکانات در رستورانها همکاران بتوانند بازیهای ایران را مستقیماً در محل کار تماشا کنند و از طرفی برای رفاه حال همکاران شیفت صبحکاری در تاریخ ۲۷ خرداد برای بازی ایران پرتقال ساعت کاری یک ساعت زودتر تعطیل خواهد شد تا همکاران راحتتر به خانه برسند ما این حرکت مدیریت را به فال نیک می گیریم و این موفقیتها را به همکاران تبریک و همچنان خواهان بازگشت فوری و بدون قید و شرط کارگران اخراجی به سر کار می باشیم

دوستان و همکاران گرامی

برای رسیدن به زندگی بهتر باید تلاش کرد و برای آن باید مبارزه کرد امروز بعضی از خواسته های صنفی ما که برای بدست آوردن آن تلاش و مبارزه می کنیم شاید در اکثر کشورهای پیشرفته چیزی پیش پا افتاده باشد. مثل ایجاد تشکلهای آزاد کارگری و حق اعتصاب و استخدام رسمی که یک اصل پذیرفته شده در این کشورهای پیشرفته و آزاد است ولی در کشور ما برای همه اینها باید مبارزه کرد باید تلاش کرد تا به آن رسید و ما در شرایط کنونی راهی جز این نداریم در حالیکه امروز بسیاری از دوستانمان به خاطر همین مبارزات از کار بیکار شده اند ولی امروز ما توانسته ایم در سایه همین مبارزات به بعضی از خواسته های خود نزدیک شویم یکی از خواست اصلی ما کارگران امنیت شغلی است و آن زمانی تحقق پیدا می کند که قراردادهای موقت لغو و به عمر شرکتهای پیمانکاری خاتمه داده شود. هفته گذشته سرانجام مدیریت در اثر مبارزات ما کارگران موافقت کرد تمام کارگران موقت که قبل از سال ۷۸ وارد شرکت شده اند به استخدام شرکت در بیایند ما این موفقیت را به همه همکاران و به خصوص به همکاران تازه استخدامی تبریک می گوئیم و همچنان خواهان لغو تمام قراردادهای موقت و استخدام دائمی



لابینیتیسی و عقیده به وحی در مسیحیت پرداخت و باعث شد که طبقه متوسط و بورژوازی به تقاضاهای آزادیخواهی و اصلاحات گرای برسد. او مینویسد که تاریخ یعنی مبارزه برای پیشرفت و آموزش. در نظر ولتر، خرافات ماقبل تاریخی، و آموزشهای دین یهود، از همان آغاز باعث بیماری دین مسیح شدند. او با تکیه بر جنبش روشنگری انگلیس و نظرات جان لاک و نیوتون، و به دفاع از عقل، به مبارزه با کلیسا و دولت فاسد آن زمان فرانسه پرداخت. او تمام آموزشهای مسیحیت را خرافات میدانست و قصد افشای آنها را داشت. او میگفت که خدا ما را به این جهان فرستاد تا لذت ببریم. نیچه او را بزرگترین مبارز آزادی بشریت دانست. ولتر زیر تعثیر فلسفه آن زمان انگلیس، مخالف آتئیسم لامارتین و دیدرو بود و نوشت که: "به آتئیسم ها لعنت میفرستیم، از خرافات متنفریم، به انسان و خدا عشق میورزیم، و دشمن شایعات، حدسیات و جنجالهای متافیزیکی میباشیم". ولتر افکار جان لاک و نیوتون را اساس انقلاب قرن ۱۸ فرانسه نمود و با کمک ادبیات، روشنگری سیاسی، و علوم طبیعی انگلیس، به تبلیغ ایدههای آزادیخواهانه پرداخت. از جمله موضوعات مورد علاقه اش: آزادی بیان و تفکر، دگراندیشی، عقلگرایی، صلح خواهی، خوشبختی عموم، نابودی بی عدالتی، و پایان ظلم به مردم، بودند.

او مینویسد که مسیحیت تاکنون باعث قتل ۱۷ میلیون انسان شده، اگر برای هر قرن ۱ میلیون انسان را به حساب آوریم. ولتر مخالف آتئیسم بود و میگفت که اگر خدایی وجود ندارد، باید انرا ساخت تا در شرایط نامناسب، انسانها دمار از روزگار همدیگر درنیاورند. غیر از کلیسا، ولتر مبارزه اش را صرف مبارزه با اتوریته حکومت لودویک ۱۵ نمود. گوته میگفت او نه تنها در قدرت تفکر بلکه در تمام ژانرهای ادبی، قلمی درخشان داشت.

او در باره تمام موضوعات زمان خود دست به قلم زد و حتا رمانهایی با تیراژ بالا نوشت. و در زمینه های: شعر، داستان، نمایشنامه، رمان، مقاله، نامه نویسی، گزارش تاریخی، ناول، آثاری خلق کرد. از جمله آثار او: لغتنامه فلسفی، رمانهای کوتاه، فرزند طبیعت، آداب و رسوم مردم، حماسه هاینریش چهارم، قانون طبیعت، زلزله لیسابون، تراژدی ادیپوس، مجموعه مکاتبات، عناصر فلسفی، دوشیزه کاندیده یا آدم خوشبین، تراژدی محمد، نمایشنامه ال زیر، حدود ۲۰۰۰۰ نامه به اکثر مشاهیر و شخصیت های قاره اروپای آن زمان، و غیره هستند. به طنز گفته میشد که ولتر با خدا و جهان در یک رابطه مکاتبه ای قرا داشت؛ البته بیشتر با جهان تا با خدا!

لاله امبلی

در کشورهای انگلوزاکسن گویا فیلسوف به کسی میگویند که در دانشگاه فلسفه درس میدهد - فرانسه و کشورهای رومی زبان، فیلسوف به کسی میگویند که با کمک مقاله و از طریق - و در ژورنالیسم، به بحث های اخلاقی، انتقادی، اجتماعی و سیاسی در میان مردم دامن میزند. در اینجا سخن از روشنفکری است که نامه هایش را حدود ۳۰۰ سال پیش با عنوان: "بنام عقل" آغاز میکرد - و با شعار: "روحانیان، این حشرات موذی مسیحیت را نابود کنید!" خاتمه میداد. سخن از کسی است که روی تابوت جنازه اش نوشتند: "او ما را برای آزادی آماده نمود!". سخن از کسی است که گویا روی سنگ قبرش نوشته شده: "در اینجا یک فیلسوف خوابیده است!". سخن از کسی است که در زمان اسارت، زندانبان دژ باستیل افتخار میکرد که گاهی همراه او غذا میخورد. سخن از کسی است که مورخین، قرن ۱۸ را قرن او نامیدند. سخن از کسی است که نام واقعی اش: فرانسیس ماری آروئت - بود. سخن از کسی است که عنوان "فلسفه تاریخ" را نخستین بار بکار برد. سخن از کسی است که میگفت: "روشنگری، عمل است و نه تئوری". و "ادبیات، علم است". سخن از کسی است که کوشید تا سختگیرهای روش فلسفی را کنار بگذارد. سخن از کسی است که میخواست معترف باشد و نه شهید. سخن از کسی است که از کودکی با آسمان سر جنگ داشت، چون بعد از تولد، سهوا او را با کودک دیگری تعویض نمودند. سخن از کسی است که میگفت فلسفه تنها رشته ای است که با انسان احساس همدردی مینماید. سخن از کسی است که با کمک آثار ادبی و فلسفی اش، مقدمات انقلاب فرانسه را آماده کرد. سخن از کسی است که گوستاو لانسین، در باره کتاب نامه هایش نوشت: "ان اولین بمبی بود که به سوی حکومت مطلقه فرانسه پرتاب شد". سخن از کسی است که میگفت هرچه دین عقلگراتر باشد، اعتیاد آن به تعقیب مردم کمتر میشود. سخن از کسی است که میگفت مسیحیت با کمک دروغهای مقدس، تصویری خطرناک از خود نشان میدهد تا مردم را بترساند. سخن از کسی است که میگفت کلیسا بجای خدایی عقل مدار، یک دیوی را به مردم معرفی میکند که باید از آن متنفر بود. سخن از کسی است که مدعی شد خدا بعد از خلق جهان، انرا در حوضی غسل داد که پر از دزد و راهزن و ظالم و قلدر بود، و بعد از قتل پدران، برای بچه های یتیم اشک تمساح میریزد. سخن از کسی است که بعد از سالها زندان و تبعید و مهاجرت، زمان بازگشت به وطن، همچون امپراتوری قدرتمند از او استقبال شد. سخن از کسی است که بعد از مرگ، صاحب یک قصر، دهها خانه بیلاقی و ۱۶۰ خدمتکار بود.

فرانسیس - ماری آروئت، نام اصلی ولتر، فیلسوف روشنگر فرانسوی، تا پیش از ۱۷۱۹ بود. او ۱۶۹۴ در پاریس بدنیا آمد و در سال ۱۷۷۸ در آنجا درگذشت. پدرش بعد از سالها کار ثبت اسناد و احوال، مشاور دربار فرانسه شد. ولتر در سال ۱۷۱۷ در زندان باستیل بود و بعد از آزادی، وادار شد که به انگلیس مهاجرت کند. او نه تنها همکار هیئت تحریریه دائرت المعارف، بلکه مهمترین نماینده جنبش روشنگری فرانسه بود. او با سلاح عقل و خرد، به مبارزه با بنیادگرایی دینی، ارتجاع، خرافات و رواج دگمها، پرداخت.

چپها مینویسند که ولتر از موضع ماتریالیستی به انتقاد از متافیزیک

فوتبال

فوتبال ورزشی است که طرفداران بسیار زیادی را در سراسر دنیا دارد و همین جذابیت باعث می شود که این ورزش بازخوردهای فردی و اجتماعی گسترده ای داشته باشد. تماشاگران فوتبال خود رامحق می دانند که در مورد همه چیز تیم محبوبشان نظر بدهند و این از آنجا نشأت می گیرد که تیم را جزئی از خود می دانند گروه تماشاگری که فوتبال می بینند تنها یک انبوه خلق اتفاقی نیستند که به خاطر وقوع حادثه ای دور هم جمع شوند و سپس به راه خود بروند. آنها ماهها و سالها مسابقات لیگ داخلی را با تمام ضعف ها و قوت هایش تماشا می کنند، حنجره خود را پاره می کنند (مردان در استادیوم و زنان در خانه) تا بالاخره بازیکنانشان در آن سطح از آمادگی قرار بگیرند که بتوانند به جام جهانی صعود کنند. همه اینها چیزهایی جدا از هم نیست بلکه جریانی دراز مدت است که هم هزینه مادی دارد و هم هزینه معنوی. به هر حال ما تمام این مشکلات را پشت سر گذاشتیم و به جام جهانی رفیقیم اصلا هم انتظار این را نداشتیم که ایران برنده مسابقات باشد. اما انتظار داشتیم که یک شکست منطقی بخوریم. انتظار این را داشتیم که دورازه بان ما این قدر مفت و مجانی گل نخورد. انتظار این را داشتیم که تیم مان با برنامه ریزی جلو برود. انتظار یک بازی گروهی راداشتیم. اما انگار هیچ کدام از این چیزها برای برانکو ایوانکوویچ عزیز ترجمه نشده بود. این را از آنجایی می توان فهمید که نیمه دوم که به قولی نیمه خودش هم بود تیم ایران با آن وضعیت قمر در عقرب بازی کرد. مربی ایران که پاروی پا انداخته بود و افتضاح درون زمین را تماشا می کرد آیا به این فکر نبود که در چنین شرایطی تعویض می تواند چیز خوب و موثری باشد؟ او آن قدر محو تماشای سوگلی اش شده بود که هوش از سرش رفته بود. مکزیکی ها ی زیرک هم از این بلبسوی تیم ایران استفاده کردند و یک پیروزی شیرین را به نام خود زدند. آقای برانکو چنین بازی حساسی در جام جهانی یک مسابقه تدارکاتی نیست که به راحتی از کنارش بگذریدها. در ضمن فوتبال هم نود دقیقه است نه نود ساعت. برانکو چه جوابی برای این همه عمل توجیه ناپذیر دارد؟ حتما تبریک به مکزیکی!

تیم ملی رو رها کن

آقای گل یا همان آقای ادعای ایران بالاخره به حرف همه گوش کرد و فرصت را به جوان ترها داد. اما با یک تفاوت کوچک، اینکه خودش در زمین ماند و به جوان ها گفت بازی کنید من ایرادهایتان را می گیرم. حضور علی دایی در بازی با مکزیکی همه چیز را روشن کرد. در تمام طول بازی او هیچ حرکت مثبتی انجام نداد. فقط روی اعصاب همه مردم ایران اسکی کرد. دیگر بس است. باور کنید شکست خوردن از مکزیکی مهم نیست روشن شدن این همه نکته مهم است. در این که علی دایی بازیکن بسیار خوب فوتبال ایران است هیچ شکی نیست تا به حال هم او خود را ثابت کرده است، اما این موضوع دیگر نمی تواند تا اینجا ادامه پیدا کند که او تیم ملی را در انحصار خویش در آورد. باید به این مافیای لعنتی فوتبال پایان داد.

دو نظر درباره فوتبال ایران

مقرر اصلی برانکو

وقتی برانکو تصویر خود را در تلویزیون بزرگ استادیوم دید برای اینکه نشان دهد خیلی به فکر است سریعاً بلند شد و وانمود کرد که دستوراتی به بازیکنان میدهد او بیشتر بدرد هنرپیشگی میخورد تا فوتبال. در هر دو بازی زمانی دست به تعویض زد که دیگر دیر شده بود و قبل از آن انتظار تعویض بود. خیال ایشان راحت است چند سال دستمزد گرفت و چون میدانست در هر صورت بعد از بازیهای جام جهانی شانس برای تمدید قرارداد ندارد قبل از بازیها اعلام کرده بود که مطبوعات ایران از عملکرد او راضی نیستند و همیشه از او انتقاد میکنند و دیگر نمیخواهد ادامه

دهد! این نشان میدهد که مطبوعات ورزشی حق دارند از وی انتقاد کنند. از ماهها قبل او نفراتی را انتخاب کرده بود و هیچگونه تصمیمی نداشت که از بازیکنان دیگر استفاده کند که در آخر هم از همان نفرات همیشگی استفاده کرد. این همه هزینه در طول چهار سال صورت گرفت اما فدراسیون یک مربی درجه یک جهان را استخدام نکرد. تک تک بازیکنان ایران خوب هستند و تنها احتیاج به هماهنگ کردن آنها است که توسط استخدام یک مربی درجه یک آلمانی میتوان اینکار صورت گیرد. زیرا مربیان آلمانی برای این منظور معروف هستند. امیدوارم در آینده توجه شود هر چند همیشه در سازمان تربیت بدنی روابط تاثیر گذار بوده است و در کلیه تیمهای ورزشی بر این مبنا عمل شده است.

تیم فوتبال ایران حتی اگر در مقابل تیم پرتقال بطور شانس هم میبرد دارای ضعف های اساسی زیر است:

- تیم ما نه سرعت عمل دارد و نه علم و تکنیک خاصی - همانگونه که شطرنج نیاز به آن دارد.

- هنگام حمله حریف / توان یار گیری و جاگیری و در نتیجه توان یک دفاع آرایشی به نحوی که پا به پای حمله کنندگان رفته و یا سد راه آنان باشد را ندارد و عملاً بارها دیده شده حمله کنندگان تیم مقابل در خط حمله آزادی عمل داشته و بدون اینکه کسی از بازیکنان ما مقابلش باشد و یا مانعش شود آزادانه شوت زده و یا جلو میروند.

- تیم ما با تکنیک های پاسکاری و مهار توپ و یا استاپ آن هنگام رساندن توپ به یکدیگر نا آشناست.

- شوت زن و یا هد زن تعلیم دیده نداریم.

- تیم ما قادر به بازی بیشتر از یک نیمه نبوده و در همان نیمه هم توش و توان پیش بردن توپ تا نیمه میدان را ندارد / مگر با شوتهای اتفاقی و یا شوت دروازه بان / البته بااستثناهای جسته گریخته.

- تیم ما نیاز مبرمی به روانشناس دارد همانگونه که هریک از برزیلیها هستند. بعلاوه گوش دادن به موزیک فرحبخش (نه روضه و نوحه خوانی) در اردوها تاثیر به سزایی در بالا بردن روحیه بازیکنان دارد در غیر اینصورت بازیکنان بی نشاط بوده و با روحیه هایی مرده از نوع دفن شهدا در دانشگاه به میدان میایند.

- همه موارد فوق توسط هر تماشاچی معمولی و غیر مکتبی قابل تشخیص بوده و نیازی به چک و چانه زدن در این موارد نیست مگر بخواهیم غیرتی به آن نگریسته و یا کردیت بی مورد به تیممان بدهیم که در آن صورت با ندیدن نقاط ضعفمان- در بازی های آتی نیز راه به جایی نمیبریم. صدا البته تمامی این نقاط ضعف به عدم داشتن یک مربی خوب بر میگردد و با توجه به فقدان دموکراسی در ایران و اعمال نفوذ و فساد که در سراسر ارگانهای ایران رسوخ کرده بی شک فوتبال ما در سالهای آتی اگر نگوئیم بد تر / بهتر از این هم نخواهد شد. اگر تماشاچیان ما قانع به این نباشند که چون در جام جهانی شرکت کرده ایم پس شق القمر کرده ایم و به چیزی کمتر از قهرمانی در میدانهای مبارزه رضایت دهند- با مبارزات حرفه ای / علمی و اصولی سالهای سال فاصله خواهیم داشت و تنها باید به برد و باخت های باشگاهی داخلی دل خوش کنیم که این بازیها به هیچ وجه سطح فوتبالمان را بالا نخواهد برد و همچنان در جا خواهیم زد. با شرکت در بازیهای بین المللی و آشنایی هر چه بیشتر با تکنیک های دیگر فوتبالیست های جهان است که میتوان گامهای بزرگتر در این زمینه برداشت - و فراموش نکنیم که تب فوتبال در ایران به همان اندازه داغ است که اگر نگوئیم در برزیل / همواره در پرتقال و یونان و انگلستان و امثالهم داغ است با این تفاوت که ما کشوری بسیار ثروتمند هستیم که می توانیم با تربیت فوتبالیستهای حرفه ای و مربیان با اراده و کاملاً حرفه ای / صاحب فوتبالی شویم که در عرصه جهانی بطور جدی مطرح شویم / طوریکه حتی قادر به اعزام مربی به دیگر کشورها نیز شویم . با امید به بر آورده شدن این آرزو.

برای رفع این بلا به آسمان نظر مکن!

جان ۰۵۲ کارگر معدنکار در شرکت "معدنجو"ی طبس در خطر است

جان ۲۵۰ کارگر معدنکار در شرکت "معدنجو"ی طبس در خطر است و مدیریت بدون توجه به رعایت موارد ایمنی از کارگران فقط کار می خواهد و بس! به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا، "غلامرضا محمدی"، نماینده کارگران طبس ضمن بیان این مطلب افزود: ۵۰۰ کارگر در این شرکت شاغل هستند و مدیریت از فراهم نمودن حداقل امکانات ایمنی برای حفظ جان کارگران دریغ می کند.

وی گفت: مدیریت شرکت حتی به هشدارهای مکرر بازرسان کار کمترین توجهی نکرده و با استفاده ابزاری از کارگران با جان ۲۵۰ نفر بازی می کند.

این مقام کارگری تصریح کرد: به اجبار مدیریت، بیشتر کارگران این معدن ۱۸ ساعت در روز کار کرده و ماهیانه ۲۰۰ هزار تومان حقوق می گیرند.

محمدی با اشاره به بروز حوادث ناشی از کار در این واحد، به مجروح شدن یکی از کارگران معدن که به تازگی رخ داده است، گفت: باید برخورد لازم با کارفرمای متخلف صورت گیرد تا چنین حوادثی تکرار نشود.

پاداش رئیس شورای شهر تبریز به عوامل سرکوب

در خبرها آمده است «شورای شهر تبریز به سرکردگی نور محمد زاده در راستای واگذاری طرح های عمرانی به شرکت های خصوصی اقدام به ترک مناقصه (بدونه برگزاری مناقصه) نموده و این طرح ها که جمعا به "مبلغ ۴۵ میلیارد تومان" است را به شرکت سپاه "خاتم الانبیا" واگذار کرده است.

نور محمد زاده که از فرماندهان سپاه است و رئیس شورای شهر تبریز و رئیس تعاونی مسکن بسیجیان اخیرا "طرحی را به شورای شهر آورده که برابر آن "مبلغ ۴ میلیارد تومان از عوارض مسکن بسیجیان بخشوده می شود»

تظاهرات توده ای در آذربایجان و بویژه شهر تبریز که زمین زیرپای رژیم را داغ کرد اینک بعد از فروکش موقتی آن سران حکومت درهر تبریز را برآن داشته است تا بموازا سرکوب بیرحمانه فعالین آزادیخواه این جنبش دستی هم از روی مهر برسروروی سپاه سرکوب و بسیج بکشد و آنها را دراعمال سرکوبگرانه شان مورد تشویق قراردهد بویژه اینکه درخبرها آمده بود دراین تظاهرات ها بخشی از بدنه بسیج نیز از دستورات فرماندهان برای سرکوب مردم سرپیچی کرده بودند. غافل از اینکه مبارزات دموکراتیک و انقلابی توده های زحمتکش مردم آذربایجان با این سرکوب ها و ترفند ها به سکون ورکود کشیده نخواهد شد بلکه با درس گیری از تجربیان حرکت متحد و عظیم خود و با طرد جریانات ارتجاعی معروف به پان ترکیست و غیره این بار متحد تر و سازمانیافته تر رژیم وارگانهای سرکوب آن را به مصاف خواهند طلبید.

دنیای عجیبی است؛ نه؟! کسی که به جلاذ مطبوعات در ایران معروف است کسی که در جمهوری اسلامی هم دادستان است هم بازجو هم شکنجه گر است و هم قاضی و یکی از عامرین اصلی سرکوب ها، خانه گردیها، اعدامها و سنگسارها ست و دردآگاه های کانادا به خاطر دست داشتن در قتل روزنامه نگار زهراکظمی برایش پرونده جنائی تشکیل شده است، به جای دستگیری و محاکمه سراز شورای حقوق بشر سازمان ملل در بیاورد و به دیگران درس رعایت حقوق بشر بدهد؟ نه؛ جای هیچگونه تعجب و تاسفی نیست! در دنیائی که برمحور پول و سرمایه و سود میچرخد هرروز شاهد جنایات بی شماری هستیم که برعلیه بشریت صورت میگیرد. آمرین و عاملین این جنایات تازمانیکه برای سود سرمایه مفید فایده اند و خود به مانعی برای گردش آن تبدیل نشده اند. جلوی چشم قربانیان خود و همین بشریت؛ صرومر و گنده میچرخند میچرخند و گاه که دیگر گردش را درمیآورند، زود جابه جایشان میکنند، از جلوی چشم برش میدارند و پست و مقام نان و آب تری برایشان میدهند. و در صورتیکه مثل مورد اخیر و موارد مشابه دیگری که پای دولت های خارجی پیش بیاید وجه المصلحه قرار میگیرند و نظیر قاتلین دکتر رجوی، دکتر بختیار، فریدن فرخزاد و دکتر سعید و دستگیر میکنند و به جای محاکمه برمیگردانند تا در پست های دیگر ابقا شوند و سپس با دبدبه و کبکبه تحت عناوینی نظیر سفیر کبیر و وابسته فرهنگی و اقتصادی و غیره در فرودگاه های همان کشورهائی مورد استقبال قرار گیرند که روزی در آنجا به جرم قتل و آدم ربائی دستگیر شده بودند.

برای مردم زحمتکش ایران که همیشه بازنده اصلی این بازیهای «دیپلماتیک» بین قدرتهای حاکم بوده است، ماهیت این بازیها روشن است آنچه که برای رهائی خود باید بکنند نه امید بستن به این مجامع حقوق و بشری است و نه توسل به آیات و اوهام آسمانی، بلکه اتکا به مبارزه مستقل خودشان و مبارزه ای تاپای جان، برای اینکه حق و حقوق و حق حاکمیت خودشان را بدست بیاورند. صد البته وقتی این بیداری و آگاهی فراروید و در عمل انقلابی برای رسیدن به آزادی توام گردد. آنگاه دیگران هم مجبور خواهند شد صدای انقلاب آنها را بشنوند و به آن باور کنند.

کاهش ۳۴ درصدی دستمزدهای واقعی در ۲۶ سال گذشته

وزارت کار و امور اجتماعی در گزارش تفصیلی به نمایندگان مجلس که ۱۲ دلیل اقتصادی، حقوقی و اجتماعی را برای دفاع از مصوبه اخیر شورای عالی کار برای افزایش حقوق کارگران ارائه داده است به کاهش ۳۳ درصدی قدرت خرید حداقل دستمزد روزانه کارگران از سال ۵۸ تا سال ۸۴ اشاره کرده است.

در این گزارش با اشاره به آن که حداقل دستمزد روزانه کارگران در سال ۵۸ معادل ۵۶۷ ریال بوده، آمده است: «در سال ۱۳۸۴ حداقل دستمزد روزانه کارگران به ۴۰۸۶۴ ریال رسیده است اما از آنجا که تورم سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۴ باعث کاهش قدرت خرید حداقل دستمزد کارگران شده و برآوردها نشان می دهد که قدرت خرید حداقل دستمزد روزانه کارگران در سال ۸۴ ۴۰۸۶۴۴ ریال) نسبت به سال ۵۸ و با در نظر گرفتن تورم ۲۶ سال گذشته به ۳۷۸ ریال کاهش یافته است.

یعنی حداقل دستمزد روزانه کارگران با محاسبه تورم از ۵۶۷ ریال در سال ۵۸ به ۳۷۸ ریال در سال ۸۴ کاهش یافته است.

به عبارت دیگر، چنانچه شاخص حداقل مزد واقعی را نسبت به سال پایه ۱۳۵۸ معادل عدد ۱۰۰ فرض کنیم، این شاخص در سال ۸۴ به عدد ۶۷ رسیده و نشان دهنده کاهش ۳۳ درصدی قدرت خرید حداقل دستمزد روزانه کارگران است و با این استدلال اقتصادی، لازم است که حداقل دستمزد کارگران در سال ۸۵ افزایش یافته و از آن دفاع شود.

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
منتشر میشود.

آدرس پستی نشریه

kar-Co
Box 100 63
400 70
SE-GBG Sweden

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست

+۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

روابط عمومی webmaster@fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

بیانیه آی ال او - بروکسل

کمیته آزادی تشکل های کارگری کنفرانس آی ال او

هیئت اداره کننده همچنین ۲۴۳ گزارش ارائه شده توسط کمیته آزادی برای تشکل های کارگری آی ال او را تصویب کرد. در نشست ماه ژوئن، این کمیته ۱۳ مورد را بررسی کرد.

(بخش مربوط به ایران - صفحات ۲ و ۳)

کمیته آزادی تشکل های کارگری همچنین توجه هیئت اداره کننده کنفرانس را به مورد جمهوری اسلامی ایران جلب کرد. این کمیته در جمع بندی های مقدماتی خود برای دومین بار بازداشتها و دستگیری های غیر قانونی و محکومیت رهبران چندین اتحادیه کارگری را بخاطر فعالیتهای اتحادیه ای و تجاوز خشونت بار پلیس به تظاهرات، اعتراضات و راهپیمایی روز اول ماه می سال ۴۰۰۲ مورد توجه قرار می دهد.

در حالیکه این کمیته از آخرین اطلاعات در مورد تبرئه چهار فعال اتحادیه ای از جرایم قطعی ابراز خرسندی می کند، بطور جدی از دولت می خواهد که همه جرایم دیگر را هم لغو کند. این کمیته همچنین از دولت می خواهد که یک گروه تحقیق و تفحص مستقل برای بررسی اتهامات، تهدیدها و تجاوزات وزارت اطلاعات به فعالان اتحادیه کارگری تشکیل دهد و این کمیته را در جریان نتایج قرار دهد.

در مورد تجاوز خشونت بار پلیس به اعتصابات، اعتراضات و راهپیمایی اول ماه می، این کمیته تقاضا دارد که دولت اقداماتی را در پیش بگیرد تا مطمئن شود که مقامات دارای صلاحیت برای حذف حبس های خطرناک با استفاده از خشونت های بیش از حد آموزش های کافی دیده اند.